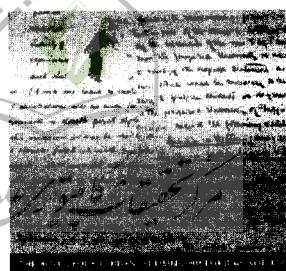


نقش منابع دست اول یا اولیه در پیشبرد تحقیقات تاریخی بسیار حائز اهمیت است. کتاب حاضر با کاوش در سنت‌های مختلفی که در استفاده از منابع دست اول و نقد آن‌ها وجود دارد، شیوه‌های گوناگون خواندن این منابع را به بحثی وافی می‌کشد و در خلال این مباحثت، اینجا و آنجا و به کرات، مثال‌هایی را مطرح می‌سازد تا مشکلات بررسی این متون و نیز بیانش‌هایی را که می‌توان از آن‌ها به دست آورد، نشان دهد. با توجه به این که تاریخپژوهان در مطالعات خود از منابع متعددی بهره می‌جویند، در این کتاب نیز تلاش شده تا در فصولی جداگانه به مواردی همچون نظرسنجی‌ها، گزارش‌های نظارتی، پرونده دادگاه‌ها، شهادت اشخاصی که موضوعی را مستقیماً تجربه کرده‌اند و مقوله‌های سنتی‌تری مانند روزنامه‌ها، سخنرانی‌های سیاسی، زندگی‌نامه‌های شخصی، یادداشت‌ها و خاطرات افراد، نامه‌ها و رُمان‌ها پرداخته شود. کتاب از دو بخش و سیزده فصل تشکیل شده است. نویسنده‌گان، بدین منظور که درک خوانندگان از نقد منابع راوضوح بیشتری بخشنده، دو فصل اول (و درواقع کل بخش اول کتاب) را به مرور رهیافت‌های سنتی و نیز رویکردهای نوین روش‌شناختی در استفاده از اسناد دست اول اختصاص داده‌اند. مقدمه‌ی کتاب نیز پذیر را مطرح ساخته و از آن‌ها به عنوان گام‌هایی بسیار بالاهمیت و دسترس‌پذیر در تفسیر منابع تاریخی یاد کرده است. هدف کتاب در مقدمه‌ی آن به روشنی مشخص شده است: افزایش آگاهی درخصوص برخی از مهم‌ترین منابع متنی (متن‌محور)، تاریخچه، آشکال، استلزمات و شقوق مختلف آن‌ها، اطلاعاتی که می‌توان از این منابع به دست آورد و لزوم رعایت جانب احتیاط در تفسیر آن‌ها. نویسنده‌گان کتاب، تمامی علاقمندان به تفسیر اسناد و منابع تاریخی (به ویژه مقطع زمانی قرن‌های نوزدهم و بیستم) را مخاطب خود می‌دانند و تأکید دارند که امروزه محققان تاریخ قادرند از انواع و اقسام راهبردها در بررسی این منابع استفاده نمایند؛ بدون اینکه ضرورتاً خود را بالای نظری پُست‌مدرنیست توصیف کنند.

نویسنده‌گان در مقدمه کتاب، پرسشی را مطرح ساخته و کوشیده‌اند در صفحات کتاب بدان پاسخ دهند. پرسش این است: آیا قواعدی وجود دارد که بر اساس آن‌ها بتوان به درکی روش‌تر از متون تاریخی دست یافت؟ درواقع در سرتاسر کتاب تلاش شده تا رهنمودهایی عملی و کاربردی در

منابع دست اول

● مهدی ابراهیمی



READING
PRIMARY SOURCES
THE INTERPRETATION OF TEXTS FROM
19TH AND 20TH CENTURY HISTORY

Miriam Dobson and Benjamin Ziemann
Routledge, 2009, 270 pp.

■ Reading Primary Sources (The interpretation of texts from nineteenth- and twentieth-century history)

■ Edited by: Miriam Dobson and Benjamin Ziemann

■ Routledge, 2009, 270 pp.

■ بازخوانی منابع دست اول (با عطف نظر به تفسیر متون تاریخی)
قرون نوزدهم و بیستم)

■ ویراستاران: میریام دابسون و بنزامین زیمن

■ انتشارات: راتلچ; ۲۰۰۹، تعداد صفحات: ۲۷۰



نقش منابع دست اول یا اولیه در پیشبرد تحقیقات تاریخی بسیار حائز اهمیت است. کتاب حاضر با کاوش در سنت‌های مختلفی که در استفاده از منابع دست اول و نقد آن‌ها وجود دارد، شیوه‌های گوناگون خواندن این منابع را به بحث می‌کشد

منابع دست اول

شود، بلکه شناخت و یا بازنگری در زمینه و موقعیت انجام یک کش است که اهمیت دارد. استعاره را می‌بایست بر مبنای اصول معناشناختی یک زمینه‌ی موضوعی معین به تجزیه و تحلیل کشید.

۴- یک متن و یا منبع تاریخی تا چه میزان منعکس کننده نظرات راوی آن متن است و یا تا چه حدی در جهت خواسته‌های اشخاصی که آن را می‌خوانند به نگارش در آمده است. تاریخ‌دانان و تاریخ‌پژوهان همواره کوشیده‌اند نویسنده‌ی یک منبع را شناسایی نمایند تا علاوه بر تعیین هویت وی، به انگیزه‌ها، علاقه و یا تعصبات احتمالی تأثیرگذار بر کار او نظر افکند.

۵- چه زمانی می‌توان گفت که یک متن به شکل یک روایت بیان شده است؟ به ویژه در دهه‌های اخیر، «روایتگری» در میان تاریخ‌پژوهان به موضوعی مناقشه‌برانگیز تبدیل شده است. بخشی از این مسئله را می‌توان به انتشار کتابی از هایدن وایت با نام «راز تاریخ» (۱۹۷۳) نسبت داد که در آن، از نوشتۀ‌های تاریخی با عنوان داستان یاد شده که صرفًا شامل مجموعه‌ای از اطلاعات نیستند، بلکه این اطلاعات را با نظمی معین و آغاز و پایان کاملًا مشخص و تعریف شده ارائه می‌نمایند. در این زمینه، از نظر هایدن وایت، نوع خاص داستان نهفته در یک متن و یا شکل روایت آن از اهمیتی بسزا برخوردار است. صرف نظر از اینکه گفته‌های هایدن تا چه میزان صحیح و قابل پذیرش است، باید اذعان نمود که بسیاری از منابع تاریخی، شکل داستانی دارند. نمونه‌ی بارز این منابع را می‌توان اظهارات و شهادت افرادی که موضوعی را به طور مستقیم تجربه کرده‌اند، زندگینامه‌های شخصی و سخنرانی‌ها دانست. هنگام مطالعه‌ی یک منبع تاریخی، شیوه‌ی مواجهه‌ی قهرمان داستان با دنیای پیرامون خود و تیجه گیری‌ها و قضاوت‌های اخلاقی او را می‌بایست کاملًا موشکافانه به بررسی نهاد.

۶- واکاوی منابع تاریخی چه تأثیرات یا کارکردهایی دارد؟ مراحلی که تا اینجا بدان‌ها اشاره شد، اطلاعاتی پیرامون برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های بررسی یک منبع تاریخی به دست دادن و البته عناصر زبان‌شناختی دیگری نیز در مطالعه‌ی یک متن وجود دارد که می‌توان و باید در آن‌ها امعان نظر کرد، اما همه‌ی این‌ها مقدمات انجام کاری دیگرند. این مراحل می‌بایست

این زمینه ارائه گردد و بدین منظور، جدیدترین رویکردهایی که در تفسیر تاریخی به کار گرفته می‌شوند، مطمح نظر قرار گرفته‌اند. همچنین تبیین متون تاریخی و استفاده از طرفیت بالقوه آن‌ها با ارجاع به مثال‌های عملی صورت گرفته است. نویسنده‌گان معتقدند در تفسیر یک منبع تاریخی می‌بایست هفت مرحله را طی کرد. این مراحل، پرسش‌هایی هستند که یک محقق تاریخ باید بدان‌ها پاسخ دهد و عبارتند از:

- مفاهیم کلیدی موجود در یک منبع و نیز دلالت‌های ضمی این مفاهیم کدام‌اند؟ نکته‌ی حائز اهمیت در بررسی یک متن این است که از یاد نبریم سخنان اشخاص و یا نوشتۀ‌های آن‌ها واجد مجموعه‌ای پیچیده از معانی هستند. در معناشناسی تاریخی نه تنها چگونگی تحول معانی و دلالت‌ها در طول زمان را به کاوش می‌گذریم، بلکه دلالت‌های ضمی متفاوت و گهگاه متناقض یک اصطلاح در یک لحظه و موقعیت تاریخی معین را نیز مورد کند و کار قرار می‌دهیم. مفاهیم، صرفاً شانگر تغییرات تاریخی و با بازتاب آن‌ها نیستند و می‌توانند عامل ایجاد این تغییرات نیز باشند.

۲- مفاهیم و تمایزات دوگانه‌ی یک متن را چگونه می‌توان واکاوی نمود؟ معناشناسی تاریخی، شیوه‌ای سودمند در بازسازی معانی منابع دست اول به شمار می‌آید. مفاهیم دوگانه را می‌توان به طور ساده این‌گونه تعریف کرد: مفاهیمی که گروه‌های اجتماعی و یا اجتماعات را به طرقی ناموزون از یکدیگر تمایز می‌کنند. به عنوان مثال، تمایز میان یهودیان و غیریهودیان در متون فرانسوی و آلمانی قرن نوزدهم.

۳- میزان به کارگیری استعاره‌ها در متون مورد بررسی تا چه حد است و کارکرد ویژه‌ی استعاره‌ها در این متون چیست؟ استعاره‌ها، معنا را از یک زمینه و حوزه‌ی معناشناختی به زمینه‌ای دیگر انتقال می‌دهند و به بیان مفاهیمی که به طرق دیگر و با استفاده از سایر ابزارهای متین، قابل انتقال نیستند، یاری می‌رسانند. مثلاً سخن از تختست وزیر به عنوان سُکان‌دار گشته‌ی دولت. نباید از نظر دور داشت که تمایز میان مفهوم و استعاره، امر مطلقی نیست و به شرایط نیز بستگی دارد. کاربرد استعاره‌ای زبان، پاره‌ای از اوقات حتی در علم نیز اجتناب ناپذیر می‌نماید. در اینجا مقصود این نیست که چیزی به معنای درست و حقیقی یک متن افزوده

**هدف کتاب افزایش آگاهی درخصوص برخی از
 مهم‌ترین منابع متنی (متن‌محور)، تاریخچه، اشکال،
 استلزمات و شقوق مختلف آن‌ها، اطلاعاتی که می‌توان
 از این منابع به دست آورد و لزوم رعایت جانب
 احتیاط در تفسیر آن‌هاست**

عینیت‌گرایی، درویسین (Droysen) و نظریه‌ی درک تاریخی و در نهایت، دیلتای (Dilthey) و ادراک بهمراه نقطه‌ی مرکزی علوم انسانی اشاره کرد. در این فصل، به کارگیری اصول روش‌شناختی در بازسازی وقایع گذشته از منظر کنشگران تاریخی و استنباط متنا از شیوه‌های عمل خاص آنان، از ویژگی‌های مطالعات تاریخی قرن نوزدهم به شمار آمده است. فصل دوم این بخش، «خواندن متن» پس از تحولات زبان‌شناختی؛ رویکردهای برآمده از مطالعات ادبی و دلالت‌های آن‌ها» نام دارد و در آن اشاره شده که در تفسیر متن تاریخ مدرن باید به کارکردهای این متن (و نه صرفاً خاستگاه‌های آن‌ها) به طور خاص توجه کرد.

بخش دوم کتاب با نام «آنواع منابع دست اول و تفسیر آن‌ها»، فصول سوم تا سیزدهم را در خود جای داده است. فصل سوم کتاب با عنوان «نامه‌ها» به موضوعاتی همچون مکاتبات خصوصی (میان اعضاء خانواده‌ها) و مسائلی هویت و نیز نامه‌ها و مکاتبات دولتی پرداخته است. یکی از ویژگی‌های نامه‌ها که آن‌ها را از سایر متن متمایز می‌سازد، این است که با مطالعه‌ی آن‌ها می‌توان علاوه بر شناخت خصوصیات نویسنده، از وضعیت مخاطب وی نیز اطلاعاتی به دست آورد.

فصل چهارم کتاب، «گزارش‌های نظارتی» نام دارد. این گزارش‌ها به ویژه از سوی دولت‌های اروپایی قرن نوزدهم تهیه می‌شد و تأثیرگذاری بر اذهان مردم را جست‌وجو می‌کرد. بعدها آلمان نازی و روسیه‌ی استالینی به عنوان مواردی بارز در این زمینه خود را مطرح نمودند و از جانب تاریخ‌پژوهان، البته با نگرش‌ها و روش‌های مختلف، مد نظر قرار گرفتند. در راستای مباحث این فصل، نویسنده‌گان کتاب، تاریخچه‌ای نیز از پیدایش دولت‌های مدرن ارائه نموده‌اند.

فصل پنجم کتاب، «پروندهای دادگاهها» نام گرفته و در آن از موضوعاتی نظیر قوانین و تاریخ و نیز تاریخ‌نگاری بحث به میان آمده است. در این فصل از جمله مطرح شده که به جای نگریستن به تاریخ از منظر قوانین، اینک ما می‌توانیم قوانین را با عطف نظر به مسائلی تاریخ به بحث و بررسی کشیم.

نویسنده‌گان در فصل ششم کتاب با عنوان «نظرسنجی‌ها»، مباحثی از این دست را پیش کشیده‌اند: ویژگی‌های نظرسنجی‌ها در قرن بیستم،

منبع مورد بررسی را به اصطلاح رمزگشایی نمایند و معانی آن را مشخص سازند. زبان یک متن، تنها ابزاری برای بیان مقاصد نویسنده نیست، بلکه خود می‌تواند بر واقعیت متن نیز دلالت نماید. مفاهیم، تمایزات دوگانه، استعاره‌ها، موقعیت راوی و شیوه‌ی روایت، عناصری کلیدی در بررسی یک متن تاریخی به شمار می‌آیند و جملگی به درک تأثیر واقعی یک منبع خاص کمک می‌کنند. به عنوان مثال، یکی از کارکردهای بررسی نظرسنجی‌ها این است که از طریق آن می‌توان میزان آگاهی سیاستمداران، دانشگاهیان، مفسرین رسانه‌ها و همه‌ی شهروندان عادی درخصوص حق حاکمیت مردم و اهمیت نظرسنجی در این رابطه را بازشناخت. شیوه‌ی دیگر اندیشه‌ین پیرامون تأثیر یک متن این است که رابطه‌ی آن متن با گفتمان‌های موجود را به کاوش گذاریم و شیوه‌ی روایت یا به کارگیری استعاره‌ها را با تفاسیر راجح و موقعیتی که نویسنده یا سخنران در آن به سر می‌برد مرتبط سازیم. به عنوان مثال، بررسی پرونده‌های دادگاه‌های انگلستان در دهه‌ی ۱۸۸۰ نشان می‌دهد که در آن زمان، ارتکاب جرم از سوی افراد را به پستی نژادی و بیولوژیک آن‌ها نسبت می‌دادند (با اتكاء به مفاهیم داروینیسم اجتماعی)، در حالی که در سال‌های پیش از آن از ضعفهای اخلاقی به عنوان عامل بزهکاری نام می‌برند و گزارش‌ها و پرونده‌های دادگاه‌ها را نیز بر همین اساس تنظیم می‌کردند.

۷- در تفسیر یک متن، بررسی زمینه و اوضاع و احوال شکل‌گیری آن تا چه میزان حائز اهمیت است؟ تاریخ‌پژوهان و مدرسان تاریخ بر لزوم توجه به زمینه‌های ایجاد یک متن یا منبع تاریخی تأکید دارند. با وجود این، گاهی شرایط ایجاب می‌کند که یک متن را جدا از زمینه‌ی شکل‌گیری اش بررسی نماییم. تمرکز بر اوضاع و احوال خلق یک متن نباید به هدفی صرف بدل شود و تفسیر صحیح از آن را تحت الشاعع قرار دهد.

ساختمار کتاب

بخش اول کتاب با نام «خوانش منابع اولیه (دست اول): زمینه‌ها و رویکردها»، دو فصل را دربرمی‌گیرد و فصل اول آن، «درک تاریخ: تفسیرشناسی و نقد منابع در تحقیقات تاریخی» نام دارد. از جمله مباحث این فصل می‌توان به انسان‌گرایی و نقد متن، رانکه (Ranke) و ادعایی

یکی از مشکلات پژوهش‌های تاریخی، شناسایی مرزهایی است که میان گفتمان‌های علمی، گفتمان‌های مبتنی بر داستان و رُمان، و افسانه‌ها وجود دارد

منابع دست اول

فصل دهم کتاب با نام «زندگی‌نامه‌های شخصی» یا خودزنگی‌نامه‌ها، موضوعاتی همچون زندگی‌نامه‌ی شخصی بهمثابه روایت‌گری، پساختارگرایی و زندگی‌نامه‌ی شخصی و درنهایت، بررسی تاریخی زندگی‌نامه‌های شخصی را شامل می‌شود. به بیان نویسنده‌گان کتاب، روایت‌های افراد از زندگی خوبی پیجیدگی‌های بسیاری دارند و شمار زیادی از تاریخ پژوهان را در یافتن رابطه میان این روایت‌ها با اوضاع و احوال تاریخی مؤثر بر آن‌ها با دشواری مواجه می‌کنند.

«روزنامه‌ها» عنوان یازدهمین فصل کتاب است. به عنوان یک منبع تاریخی، روزنامه‌ها اطلاعات فراوانی درخصوص زندگی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گذشتگان، پیش روی ما قرار می‌دهند. با وجود این، در تک‌نگاری‌های تاریخی، آنگونه که باید و شاید به این متون توجه نشده است. در این فصل، تاریخچه روزنامه‌ها و نقش روزنامه‌ها در تاریخ مورد مداهاند، ماهیت و اهمیت گزارش‌های دولتی نیز در طی سال‌های متمادی

فصل دوازدهم کتاب با نام «سخنرانی‌ها» مواردی مانند استفاده تاریخ‌دانان از سخنرانی‌ها به عنوان یک منبع بررسی گذشته و مسائل موجود در یافته سخنرانی‌ها را به کاوش گذشته است. نقش سخنرانی بهویژه در نشان دادن ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های سیاسی، حائز اهمیتی فراوان است و البته مطالعه‌ی این منبع تاریخی را نمی‌توان بدون در نظر داشتن سایر منابع و متون تاریخی به انجام رساند.

و سرانجام فصل سیزدهم و پایانی کتاب، «آلهه‌رات شاهدان» نام دارد. اگرچه در این فصل، گواهی دادن به یک موضوع برمبنای تجربه‌ی مستقیم آن دد نظر قرار گرفته است، اما این امر نمی‌تواند بیشتر از سودمندی پیرامون فرایندهای تاریخی که گستره‌ای فراتر از حوزه‌ی تجربه‌ی شخصی دارند، فراهم سازد. با این حال، مباحث این فصل از اهمیت بسیاری برخوردارند؛ چرا که به ما بیان‌آوری می‌کنند نوشته‌های تاریخی، اساساً متکی بر شواهد و مدارک هستند (و یا به بیان صحیح‌تر، باید آنگونه باشند). تاریخ پژوهان باید تلاش کنند به مهارت‌های تحلیلی ویژه‌ای دست یابند تا همواره شنوندگان خوبی برای شاهدان و گواهی دهنده‌گان یک موضوع باشند. این مهم، نیازمند گسترش و نیز عمق بخشیدن به دانش تاریخی است.

چگونگی استفاده از نظرسنجی‌ها و سرشماری‌ها از جانب تاریخ‌دانان و این که به چه شکلی می‌توان نتایج یک نظرسنجی را بهمثابه منبعی تاریخی به کار گرفت. بهزعم نویسنده‌گان کتاب، نظرسنجی‌ها را نباید صرفاً بازتاب عقاید عمومی در یک جامعه دانست، بلکه می‌بایست نقش آن‌ها را در صورت بندی دوباره‌ی ساختارهای حکومت، سیاست و سیاست‌گذاری مورد توجه قرار داد.

در فصل هفتم کتاب با نام «بادداشت‌ها و گزارش‌های دولتی»، مقولاتی همچون حرفاء شدن دیوانسالاری دولتی و پیدایش تاریخ سیاسی، به کارگیری گزارش‌های سیاسی توسط پژوهندگان تاریخ و تحولات تاریخ دیپلماتیک به کنکاش گذاشته شده است. در این فصل تأکید شده که همانند رویکردهای تاریخ‌پژوهان، که هم متنوع هستند و هم در گذر زمان به لحاظ موضوعی و روش‌شناختی دستخوش تحول شده‌اند، ماهیت و اهمیت گزارش‌های دولتی نیز در طی سال‌های متمادی با تغییراتی مواجه شده است.

فصل هشتم کتاب، «خاطرات روزانه یا روزانه‌نویسی» نام دارد. در این فصل به مواردی از قبل تاریخ‌نگاری و روزانه‌نویسی، و آسیب‌پذیری منابع و متونی از این دست پرداخته شده است. یکی از نقاط قوت بررسی خاطرات و نوشته‌های روزانه برای تاریخ‌دانان، درهم‌تیدگی گذشته، حال و آینده در لایه‌لایی صفحات آن‌هاست؛ امری که می‌تواند پرسش‌های مطرح در مورد چگونگی خلق معنا و تفسیر دنیای پیرامون در زمینه‌های تاریخی متفاوت را دست کم تا حدی پاسخ دهد. در این فصل همچنین نشان داده شده که ابعاد نظری و تاریخی اینگونه منابع را با عطف نظر به مسئله‌ی جنسیت و مد نظر قرار دادن ویژگی‌های حوزه‌ی شخصی و خصوصی، بهتر می‌توان دریافت.

عنوان فصل نهم کتاب، «رُمان‌ها» یا داستان‌های بلند است. در این فصل به مباحثی نظری رُمان بهمثابه یک گونه یا ژانر هنری، رُمان در نقش یک منبع تاریخی، مفهوم شهر و تفسیرهای اقتباسی و تحلیلی توجه شده است. یکی از مشکلات پژوهش‌های تاریخی، شناسایی مرزهایی است که میان گفتمان‌های علمی، گفتمان‌های مبتنی بر داستان و رُمان، و افسانه‌ها وجود دارد.